

The Status of women's physical activity in contemporary Jewish and Christian societies

Mina Koohi*, Sara Keshkar**

Gholamreza Zakiani***, Gholamreza Shabani Bahar****

Abstract

Religion plays an essential role in people's lives in today's societies, but its function is not limited to individuals at all. Religion affects the relationships of individuals, societies, and even governments; therefore, it is effective in all areas of human life. The level of religiosity of people also differs from each other, but each level of religiosity has a direct effect on people's behavior, attitude, feelings, and thoughts. Women's participation in sports is another topic that sociologists and sports researchers have focused on in the last few decades. To identify any kind of relationship between religiosity and women's participation in sports in the countries of the world is of fundamental importance. With the knowledge of this topic, the present essay is dedicated to the physical activity of women in two Abrahamic religions, Christianity and Judaism, with a descriptive method. According to the findings of the research, both of the aforementioned religions place great value on the human body and have assigned rules and regulations to take care of and protect this divine ability; however, in the field

* Ph.D. student of sports management, Department of Sports Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author), mina66da@gmail.com

** Associate Professor of Physical Education, Faculty of Allameh Tabataba'i University, Sports Management Department, Tehran, Iran, keshkar@atu.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Philosophy, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, computer: zakiani@atu.ac.ir

**** Professor, Department of Management and Planning in Physical Education, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, shabanibahar@atu.ac.ir

Date received: 2023/04/15, Date of acceptance: 2023/08/31



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۱۳۴ پژوهش‌های علم و دین، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

of equality between men and women in physical activity and sports, especially in the contemporary era, they have a different approach. The statistics of Christian and Jewish women participating in the Olympic Games are a testimony to the difference in the views of the gender equality of these two religions in sports and physical activities.

Keywords: sports, physical activity, women, Christianity, Judaism



جایگاه فعالیت بدنی زنان در جوامع یهودی و مسیحی معاصر

مینا کوهی*

سارا کشکر**، غلامرضا زکیانی***، غلامرضا شعبانی بهار****

چکیده

دین نقش اساسی در زندگی افراد در جوامع امروزی دارد، اما کارکرد آن اصلاً محدود به افراد نیست. دین بر روابط افراد، جوامع و حتی دولت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ لذا در همه عرصه‌های زیست بشر کارآمد است. میزان دینداری افراد نیز با یکدیگر متفاوت است، اما هر سطحی از دینداری تأثیر مستقیمی بر رفتار، نگرش، احساسات و افکار افراد دارد. مشارکت زنان در ورزش یکی دیگر از موضوعاتی است که جامعه‌شناسان و محققان ورزشی در چند دهه اخیر بر آن تمرکز کرده‌اند. تلاش برای شناسایی هر نوع رابطه بین دینداری و مشارکت زنان در ورزش در کشورهای جهان اهمیت اساسی دارد. جستار حاضر با علم به این موضوع، با روش توصیفی-تحلیلی به فعالیت بدنی زنان در دو مذهب ابراهیمی یعنی مسیحیت و یهودیت اختصاص دارد. مطابق یافته‌های تحقیق، هر دو مذهب مذکور برای جسم انسان ارزشی وافر قائل‌اند و برای مراقبت و محافظت از این موهبت الهی احکام و فرامینی را اختصاص داده‌اند؛ هرچند در زمینه برابری زن و مرد در فعالیت جسمانی و ورزش به ویژه در دوره معاصر

* دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی، گروه مدیریت ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، mina66da@gmail.com

** دانشیار دانشکده تربیت بدنی دانشگاه علامه طباطبایی، گروه مدیریت ورزشی، تهران، ایران، keshkar@atu.ac.ir

*** دانشیار گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، zakiani@atu.ac.ir

**** استاد گروه مدیریت و برنامه ریزی در تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران، shabanibahar@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۹



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

رویکرد متفاوتی دارند. آمار زنان مسیحی و یهودی شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک خود گواهی بر تفاوت دیدگاه در برابری جنسیتی این دو مذهب در ورزش و فعالیت‌های بدنی است.

کلیدواژه‌ها: ورزش، فعالیت بدنی، زنان، مسیحیت، یهودیت

۱. مقدمه

فعالیت‌های بدنی نقش حیاتی در رشد عاطفی، ذهنی، روانی، اجتماعی و جسمی افراد دارد. علیرغم توافق کلی بر سر این مفهوم، بسیاری از جوامع هنوز حقوق و فرصت‌های برابر را برای مردان و زنان در ورزش و فعالیت‌های بدنی تضمین نکرده‌اند. با توجه به محیط‌های کاری جمعی و متنوع، متخصصان ورزش باید بدانند که چگونه عوامل اجتماعی و فرهنگی مختلف می‌توانند بر افراد تأثیر بگذارند. محققان تأکید می‌کرده‌اند که عدم شرکت در فعالیت‌های بدنی در سطح جهانی قابل قبول نیست و عواقب ناخوشایندی به دنبال خواهد داشت. (Yu et al. 2004). مطالعات بسیاری در مورد مشارکت زنان در فعالیت‌های بدنی در کشورهای مسلمان صورت پذیرفته است (Batty and Lee, 2002; Yu et al. 2004; Harkness, 2012). با این حال، تحقیقات بسیار محدودی در مورد جایگاه فعالیت بدنی زنان در جوامع مسیحی و یهودی در دسترس است (Laar et al. 2019; Nanayakkara, 2012). بسیاری از مطالعات پیشین، در زمینه‌های مذهبی مختلف (Klein, 2007; Di-Capua, 2005; Mirsafian et al. 2014)، نشان داده‌اند که مذهب محدودیت‌های بسیاری را بر ورزش تحمیل می‌کند. در ارتباط برخی کشورهای مسلمان، مشارکت زنان مسلمان در فعالیت‌های بدنی به محدودیت‌های مذهبی، فرهنگی و حقوقی بستگی دارد. علیرغم این محدودیت‌ها، زنان مسلمان در اکثر کشورهای مسلمان نگرش ایجابی نسبت به ورزش نشان می‌دهند و مذهب کمتر از سایر عوامل اجتماعی و اقتصادی به مثابه محدودیت در نظر گرفته می‌شود (Laar et al. 2019). اسلام تأثیر بیشتری بر بیشتر جنبه‌های زندگی در کشورهای مسلمان نسبت به سایر کشورها دارد. با این حال به جایگاه فعالیت بدنی زنان در جوامع مسیحی یهودی کمتر پرداخته می‌شود. لذا درک چگونگی تأثیر یهودیت و مسیحیت در جوامع یهودی و مسیحی بر مشارکت زنان در فعالیت بدنی و ورزش و همچنین ارائه پیشنهادهایی با هدف گشودن گره‌های ناگشوده در این زمینه، برای حفظ سبک زندگی سالم از طریق افزایش مشارکت زنان در ورزش، بسیار حائز اهمیت است. فعالیت بدنی بهترین راه برای زنان برای تحقق آزادی و حقوق خود و تقویت برابری جنسیتی در جامعه

است. هدف این جستار ادای سهمی در ادبیات پژوهش‌هایی است که به بررسی سطح مشارکت زنان در کشورهای مسیحی و یهودی می‌پردازند. باید در نظر داشت فعالیت بدنی و ورزش به سبک امروز در زمان ظهور و بروز ادیانی همچون اسلام، مسیحیت، یهود و ... موضوعیت نداشته که به آن پرداخته شود، لذا تنها می‌توان از مجموع دستورات و اشارات این مذاهب در دوره مدرن دریافت که فعالیت بدنی مورد نظر بوده است و اگر بوده است چگونه و پس از آن با در نظر گرفتن مجموع شرایط به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری رسید. لذا برای تحقیق این مهم، جستار دارای ۳ بخش است: طرح تاریخیچه مختصری از فعالیت بدنی و ورزش در دوره مدرن در جوامع یهودی و مسیحی برای ورود به بحث ضروری است (بخش اول)؛ پس از آن لازم است تا فعالیت بدنی زنان در دوره معاصر در جوامع مسیحی به ویژه از منظر کلیسای کاتولیک و پاپ مورد مذاقه قرار بگیرد (بخش دوم)؛ در ادامه وضعیت فعالیت بدنی به طور کل و فعالیت بدنی زنان در جوامع یهودی معاصر مورد بررسی قرار گرفته است (بخش سوم).

۲. مشارکت زنان در ورزش

حضور زنان در ورزش تحولات متفاوتی در مناطق و کشورهای مختلف داشته است که به بهترین وجه می‌توان آن را از طریق شرکت در المپیک ردیابی کرد. از اواخر قرن نوزدهم تحولات بنیادینی عمدتاً در اروپا و ایالات متحده رخ داد. پیش از آن ورزش توسط مردان و برای مردان بسط یافته بود. اولین المپیک در سال ۱۸۹۶ که به زنان اجازه شرکت در آن داده نشد، نمونه‌ای است که نقش زنان را در تشویق ورزشکاران از جایگاه تماشاگران متمایز می‌کند. در المپیک بعدی، بدون تأیید کمیته بین‌المللی المپیک (International Olympics Committee)، برگزارکنندگان به زنان اجازه دادند تا به طور رسمی در دو رویداد و به طور غیر رسمی در حداقل ۱۱ رشته ورزشی شرکت کنند. در سال ۱۹۲۸، اختلاف طولانی بین کمیته بین‌المللی المپیک، فدراسیون بین‌المللی دوومیدانی آماتور (International Amateur Athletics Federation) و انجمن بین‌المللی ورزش زنان (International Women's Sports Association)، زمانی که زنان برای اولین بار در بازی‌های المپیک شرکت کردند تا حدی حل شد. از آغاز بازی‌های المپیک تابستانی، مشارکت زنان از ۲۲ شرکت‌کننده در دو رویداد زنان در المپیک ۱۹۰۰ (۲.۲ درصد از کل شرکت‌کنندگان)، به ۵۰۵۹ شرکت‌کننده در ۱۴۵ رویداد زنان در المپیک ۲۰۱۶ (۴۵ درصد از کل شرکت‌کنندگان) افزایش یافت. این امر نشان‌دهنده افزایش گسترده تعداد شرکت‌کنندگان زن و توسعه عظیمی در برنامه‌های مربوط به زنان است. بنابراین با وجود مخالفت‌های مکرر و

چشمگیر با ورزش بانوان، مبارزه مستمری برای افزایش تعداد زنان شرکت‌کننده در فعالیت‌های بدنی صورت گرفت. ادبیات مربوط به مشکلات مشارکت زنان در ورزش در سراسر جهان مجموعه‌های متنوعی از چالش‌ها را پیش می‌نهد که ماهیت مشابهی دارند. زنان با کلیشه‌های جنسیتی روبرو هستند و ضعیف و مطیع تلقی می‌شوند و مشارکت زنان در ورزش همراه با افزایش اعتماد به نفس ایشان است که به نظر می‌رسد سلطه مردان را به چالش می‌کشد (Messner, 1988). مطالعات متعدد در مورد مشارکت زنان در ورزش (Kara and Demir, 2010; Maher and Thompson Tetreault 1997; Samdahl and Jekubovich, 1997) مشخص کرده‌اند که کمبود آگاهی، کمبود زمان، جمعیت زیاد، مشکلات خانوادگی و مالی و فاصله طولانی از اماکن و امکانات ورزشی مهم‌ترین محدودیت‌هایی است که زنان با آن مواجه هستند. مشارکت زنان مسلمان در ورزش به طور قابل توجهی کمتر از سایر زنان است و به نظر می‌رسد در مورد ورزش‌های به خصوص حتی مشکل‌ساز باشد (Pfister, 2010). تا آنجا که به نگرش زنان مسلمان نسبت به ورزش و فعالیت ورزشی مربوط می‌شود، علائق مذهبی، محیط، فرهنگ، سنت‌ها و عوامل اجتماعی نقش مهمی دارند. برخی از کشورهای مسلمان، صرف نظر از سطح رقابت، از حضور زنان در ورزش حمایت نمی‌کنند. در مقابل، برخی از کشورهای مسلمان مانند ایران به زنان اجازه می‌دهند تقریباً در تمام ورزش‌ها شرکت کنند، اما قوانین پوشش اسلامی را نیز رعایت کنند (Mirsafian et al. 2014). به طور معمول، زنان در کشورهای اسلامی در اکثر ورزش‌ها حجاب دارند و پوشیدن لباس‌های منجر به بی‌حجابی مجاز نیست. پوشش ورزشی یکی از مسائل مهمی است که حضور زنان کشورهای اسلامی در رویدادهای ورزشی مانند المپیک را محدود می‌سازد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، زنان با حجاب، تمام بدن خود را به جز صورت و دست‌ها می‌پوشانند. قوانین پوشش رسمی در ورزش‌های رقابتی به طور کامل با معیارهای اسلامی مطابقت ندارد، اما اکثر زنان ورزشکار مسلمان تصمیم می‌گیرند که لباس رسمی بپوشند و ادعا می‌کنند که این امر با ایمان آنها در تضاد نیست. موضوع پذیرش حجاب در مسابقات تکواندو توسط فدراسیون جهانی تکواندو یکی از نمونه‌های متعددی است که با ایجاد آزادی برای پوشیدن لباس‌های مورد قبول فرهنگی برای رقابت، بحث‌هایی را در مورد احترام به هر فرهنگ در ورزش برانگیخته است. با این حال، برخی از فدراسیون‌ها قوانین سختی در این رابطه دارند. فدراسیون مدرن پنج‌گانه یک نمونه است که زنان را از پوشیدن «بیکیینی» شنا که تمام بدن را می‌پوشاند، منع می‌کند. این امر باعث نگرانی شدید در مورد شرکت زنان مسلمان در مسابقات شنا شده است (Pfister, 2010). علاوه

بر پوشش ورزشی، تفسیر ارزش‌های اسلامی و فرهنگ هر کشور از دیگر چالش‌های حضور زنان مسلمان در ورزش است.

از سوی دیگر کلیسا از اولین سال‌های تأسیس با ورزش در ارتباط بوده است. معروف است که سنت پل از استعاره‌های ورزشی برای توضیح زندگی مسیحی برای غیریهودیان استفاده می‌کرده است. در دوره قرون وسطی، کاتولیک‌های غیر روحانی در روزهای اعیاد، که بخش زیادی از سال را به خود اختصاص می‌داد و همچنین یکشنبه‌ها، بازی و ورزش می‌کردند. توماس آکویناس استدلال می‌کرد که بازی‌های ورزشی فضیلت است و فضیلت با اعتدال ارتباط دارد. بر این اساس یک انسان با فضیلت نباید همواره مشغول کار باشد بلکه برای بازی و تفریح نیز باید زمانی اختصاص دهد. اومانیت‌های رنسانس و یسوعی‌های اولیه از درک توماس آکویناس از فضیلت استفاده کردند، زمانی که به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان در طول روز مدرسه به زمانی برای بازی و تفریح نیاز دارند. این منطق اولیه برای گنجاندن بازی و ورزش در مؤسسات آموزشی در جهان غرب بود (Kelly et al. 2012). علاوه بر این از آغاز دوران مدرن، کلیسا علاقه خود را به این پدیده ابراز کرده است، زیرا از پتانسیل آموزشی آن آگاه است و همچنین ارزش‌های بسیاری را با ورزش ترویج می‌کند. با این حال ورزش مدرن و فعالیت ورزشی زنان در جهان مسیحی را می‌توان در دو منبع جستجو کرد؛ یعنی از یک سو بازی‌ها و مسابقاتی که در مدارس دولتی انگلستان در نیمه اول قرن نوزدهم مطرح شد و از سوی دیگر، تربیت بدنی و ژیمناستیک که از نوعدوستی (Philanthropinism) (یک جنبش اصلاحی آموزشی) پدید آمد و بعدها توسط مریبان سوئدی توسعه یافت. با اشاره به مورد اول، لازم به ذکر است که بازی‌ها، مسابقات و تفریحات قدیمی‌تر در برنامه‌های آموزشی مدارس دولتی انگلستان گنجانده شد. ورزش به مثابه بخش اساسی آموزش عمومی، به تدریج در تمام اقشار و طبقات اجتماعی در جامعه بریتانیا گسترش یافت. هنگامی که بریتانیای کبیر به یک قدرت جهانی تبدیل شد، سیستم آموزشی این کشور به تمام نقاط امپراتوری بریتانیا منتقل شد. از سوی دیگر، جنبش نوعدوستی در قاره اروپا و در اسکاندیناوی نیز توسعه یافت. نوعدوستی در اصل ایده‌آلی آموزشی بود که از آموزش همگانی حمایت می‌کرد. چنین آموزش‌هایی شامل فعالیت‌های بدنی همچون ژیمناستیک می‌شد و در پی ترویج و به رسمیت‌شناختن برابری انسانی و شکل‌گیری فضایل دموکراتیک بود. این ایده در سوئد مطرح شد، جایی که ژیمناستیک به بخشی از سیستم آموزشی تبدیل شد. به همین ترتیب، به مثابه ابزاری برای آموزش نظامی،

زیبایی‌شناختی یا بهداشتی عمل می‌کرد. اهمیت نظام سوئد را می‌توان در این واقعیت دانست که تأثیر قابل توجهی در توسعه ورزش زنان در جهان مسیحی داشته است (Kelly, 2012).

در مورد تاریخچه ورزش زنان یهودی در آمریکای شمالی و اروپای قاره‌ای تحقیقاتی صورت پذیرفته است (Klein, 2000, 2007; Kugelmass, 2007; Levine, 1992; Mendelsohn, 1998; Riess, 2008). تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه بین یهودیان و ورزش در دوران مدرن پیچیده است. برای درک این رابطه، ظهور ایده «یهودی عضلانی» (Muscular Jew) ضروری است. بررسی این ایده نشان می‌دهد که چگونه در آغاز قرن بیستم، ماکس نورداو (Max Nordau) (یکی از بنیانگذاران سازمان جهانی صهیونیسم کنونی)، از صهیونیست‌ها خواست تا نوع جدیدی از انسان یهودی را جایگزین تصویر یهودی آزاردیده، مضطرب و از نظر جسمی ضعیف کنند. نورداو برای اولین بار ایده یهودی عضلانی خود را در دومین کنگره جهانی صهیونیسم در سال ۱۸۹۸ (Kaufman and Galily, 2009) با هدف تغییر درک یهودیت و ایجاد «یهودی جدید» مطرح کرد (Kaufman and Galily, 2009; Presner, 2007). ایده یک «بدن صهیونیستی» قوی و متناسب برای الهام‌بخشی به کسانی که به دنبال ایجاد سرزمین یهودی هستند مورد استفاده قرار گرفت. بسیاری از تفاسیر موجود در مورد رابطه یهودیان و ورزش مبتنی بر تجربه کسانی است که در فلسطین اشغالی یا ایالات متحده زندگی می‌کنند. نقش ورزش در همسان‌سازی اجتماعی و فرهنگی یک فرآیند کاملاً تثبیت‌شده برای گروه‌های قومی در ایالات متحده آمریکا از جمله یهودیان آمریکایی است (Kugelmass, 2007; Levine, 1992). بسیاری از یهودیان در آمریکای شمالی هویت خود را با فرهنگ آمریکایی ترکیب می‌کنند که می‌تواند منجر به جدایی از اشکال سنتی هویت شود (Eisen, 1998; Riess, 1998).

برخی به بررسی منشأ و تأثیر یهودیت عضلانی و چگونگی نفوذ ورزش رقابتی در جامعه یهودیان (به صورت فردی و جمعی) پرداخته‌اند (Collins, 2006). کالینز خاطر نشان کرده است که تاریخ ورزش یهودیان در بریتانیا تا حدی به دلیل استحکام کلیشه عمدتاً منفی مسیحی از یهودی بیدیش کتاب‌خوان، نحیف، و بداخلاقی بوده است که از ورزش گریزان است. مهاجرت دسته جمعی یهودیان از اروپای شرقی در نیمه دوم قرن نوزدهم برای پیوستن به جامعه کوچک قدیمی یهودیان در بریتانیا، منجر به افزایش شدید تعداد مدارس، باشگاه‌های جوانان و مؤسسات کارگری یهودی شد و سازمان‌های ورزشی که از جمعیت مهاجر پذیرایی می‌کنند (Collins, 2006; Dee 2013). برخی از محققان این مهم را بررسی کرده‌اند که ورزش در ابتدا به

جایگاه فعالیت بدنی زنان در جوامع ... (مینا کوهی و دیگران) ۱۴۱

مثابه راهی برای ادغام یهودیان در جامعه انگلیسی و برای خانواده و فرزندانشان در نظر گرفته می‌شد که خود را انگلیسی و همچنین یهودی بدانند (Collins, 2006).

۳. فعالیت بدنی زنان در جوامع مسیحی معاصر

احتمالاً همه فرهنگ‌های تاریخی فعالیت‌هایی جسمانی، فیزیکی و رقابتی را به نوبه خود بسط داده‌اند که می‌توان آن را امروزه ورزش نامید. در واقع می‌توان گفت ورزش در کل تاریخ بشر وجود داشته است. پاپ ژان پل دوم ورزش را «پدیده رایج عصر مدرن» نامید که قادر به تفسیر نیازها و انتظارات جدید بشریت است: «ورزش به هر گوشه از جهان نفوذ یافته و از تفاوت‌های بین فرهنگ‌ها و ملت‌ها فراتر رفته است.» (John Paul II, 2000) آنچه پاپ در اینجا به درستی بر آن تأکید کرد این واقعیت است که ورزش، علیرغم تاریخ بسیار دیرینه‌اش، در طی دو قرن اخیر دستخوش تغییرات اساسی شده است. در زمان‌های گذشته، ورزش منحصراً توسط فرهنگ‌های خاصی که به آن تعلق داشتند شکل می‌گرفت و حتی میتوان گفت توسط جنس غالب که مردان بودند. در مقابل ورزش مدرن، تقریباً با تمام گونه‌های فرهنگی سازگار است و بنابراین بر مرزبندی‌های قدیمی‌تر فرهنگ‌ها و ملت‌ها غلبه کرده است. البته هنوز اشکال محلی ورزش وجود دارد و از محبوبیت برخوردار است، اما در کنار آن نوعی ورزش جهانی نیز وجود دارد که مانند یک زبان جهانی مانند حقوق بشر، تقریباً برای هر انسانی قابل درک است. در ادامه به بررسی جایگاه فعالیت بدنی و ورزش در جوامع معاصر مسیحی در چارچوب کلیسای کاتولیک پرداخته‌ایم. علت انتخاب کلیسای کاتولیک به مثابه دیدگاه معیار مسیحی، جمعیت نسبتاً زیاد مسیحیان کاتولیک در سراسر جهان است.

۱.۳ فعالیت بدنی مطلوب در چارچوب مسیحیت معاصر

کلیسا در دوران معاصر علاوه بر تشویق کادر خود برای فعالیت‌های ورزشی، چارچوب‌ها و رهنمودهایی را در ارتباط با فعالیت ورزشی در نظر گرفته است تا از این پدیده مدرن نیز در راستای اهداف متعالی بهره‌برد. در ادامه به این رهنمودها پرداخته‌ایم.

۱.۱.۳ فعالیت بدنی و نظام آموزشی

بنابر اعتقاد کلیسای کاتولیک «تغییر جهان تنها در صورتی امکان‌پذیر است که آموزش را تغییر دهیم.» (Francis, 2015) طرح ورزش انجیلی مبتنی بر شبکه‌ای از نهادهای آموزشی محلی است که از خانواده‌ها، مدارس و مؤسسات عمومی آغاز می‌شود. کلیسا معتقد است که اگر بخواهد بر روند آموزشی تأثیر بگذارد، واگذاری مسئولیت آموزشی به افرادی که در باشگاه‌های بدون ارتباط خاصی با یکدیگر کار می‌کنند کافی نیست؛ باید تلاش‌های همگان را برای آموزش ترکیب کرد. «اگر همه کسانی که مسئول آموزش فرزندان و جوانان ما هستند با هم متحد شوند، می‌توان آموزش را تغییر داد.» (Francis, 2015)

۲.۱.۳ ورزش در خدمت بشریت

ورزش را نیز باید در پویایی خدمات آن درک کرد و نه در سودی که به‌مراه دارد. اگر اهداف انسان‌سازی را مدنظر داشته باشیم، نمی‌توان وظیفه ضروری تبدیل ورزش را به ابزاری بیش از پیش برای تعالی انسان به سوی هدف ماورای طبیعی که به سوی آن فرا خوانده شده است، احساس نکرد. (John Paul II, 1989) این بدان معناست که ورزش مسیحی باید به انسان که دارای وحدت جسم، روح و روان قابل‌تحسینی است، اولویت قائل باشد. ورزش باید با بالاترین احترام برای فرد ترویج و اعمال شود و به سمت رشد یکپارچه او حرکت کند. ورزشکار را نمی‌توان صرفاً به ابزاری برای دستیابی به نتایج ورزشی که امروزه با اهداف اقتصادی و سیاسی قابل توجهی همراه است، تقلیل داد.

۳.۱.۳ ورزش گروهی در مقابل فردگرایی

افراد هنگام شرکت در ورزش «شیرینی طعم کار گروهی را که در زندگی بسیار مهم است می‌چشند.» (Francis, 2014) عضویت در یک باشگاه ورزشی به معنای طرد هر نوع فردگرایی، خودخواهی و انزوا است. ورزش «فرصتی برای مواجه شدن و بودن با دیگران، کمک به یکدیگر، رقابت در احترام متقابل و رشد برادری» (Francis, 2014) فراتر از مرزهای زمین‌ها و میادین ورزشی است و فرصتی برای ایجاد روابط معنادار و پایدار می‌شود.

۴.۱.۳ ورزش برای همه

از منظر مسیحیت ورزش برای همه انسان‌ها و فارغ از جنسیت آن‌ها است چرا که همه انسان‌ها تمثیل و تشبه به پروردگار عالم هستند. ورزش فعالیت‌های همدلانه است و افراد را از هر طبقه‌ای دور هم جمع می‌کند و فرهنگ مواجهه و گفتگو را ایجاد می‌کند. ورزش همچنین باید امکان ادغام تنوع توانایی‌ها را فراهم کند. همه افراد به یکسان می‌توانند در فعالیت‌های ورزشی، با مزایا و محدودیت‌هایی که هر کدام دارند شرکت جویند؛ از هر طبقه، جنس و نژادی که هستند. «در واقع مانند عیسی که با محرومین بازی می‌کرد.» (Francis, 2014) به این ترتیب «ورزش ابزاری اساسی برای رشد جامعه می‌شود.» (John Paul II, 1991)

۲.۳ اهمیت جسم و بدن در مسیحیت کاتولیک

۱.۲.۳ بدن محمل روحانیت و نیکی

در مطالعات تاریخی ورزش معمول است که نگرش کاتولیک‌ها نسبت به بدن را کاملاً منفی توصیف کنند، درحالی‌که سنت‌های الهیاتی و معنوی کاتولیک اصرار دارند که جهان مادی (و هر چیزی که وجود دارد) خوب است همانطور که توسط خدا آفریده شده است و اینکه شخص وحدت جسم، روح و روان است. در واقع، متکلمان اولیه و قرون وسطی بیشتر وقت خود را صرف انتقاد از گنوسی‌ها و مانوی‌ها می‌کردند، دقیقاً به این دلیل که این گروه‌ها جهان مادی و بدن انسان را با شرّ مرتبط می‌دانستند. یکی از شکایات نویسندگان مسیحی این بود که گنوسی‌ها و مانوی‌ها متون مقدس یهودی را جزئی از کتاب مقدس مسیحی قرار ندادند و بنابراین روایتی را که در کتاب پیدایش آمده است که خداوند جهان و انسان‌ها را آفریده و همه چیز را «بسیار نیکو» می‌نامد، نپذیرفتند. برعکس، این گروه‌ها روایت‌های اساطیری مفصلی از منشأ جهان مادی ساختند که آن را با یک «هبوط» یا «اصل شیطانی» مرتبط می‌کردند. به همین دلیل است که آنها جهان مادی و خود بدن انسان را با امری که حقیقتاً معنوی است متضاد می‌دانستند. در سال ۱۹۷۹ پاپ ژان پل دوم با ورزشکاران ایتالیایی و آرژانتینی در مورد این مناقشات صحبت کرد:

شایان ذکر است که در قرون اول متفکران مسیحی قاطعانه با ایدئولوژی‌های خاصی که در آن زمان رایج بودند مخالفت می‌کردند، که مشخصه آنها تقلیل ارزش جسمانی به نام

اعتلای روح انسان بود. بر اساس کتاب مقدس، متکلمان مسیحی، دیدگاه واحدی از انسان را ترویج می‌کردند. (John Paul II, 1979)

این دیدگاه واحد نسبت به انسان در کتاب مقدس و متکلمان یا به صورت وحدت جسم، روح و روان یا جسم و روح بیان شده است. این درک از وحدت فرد انسانی رد تکوین نگرش مسیحی نسبت به ورزش نتیجه داشت. به گفته پل دوم، کلیسا به ورزش با احترام می‌نگرد، زیرا برای

هر چیزی که به رشد هماهنگ و کامل فرد، بدن و روح کمک می‌کند، ارزش قائل است. بنابراین، آنچه را که هدف تربیت، رشد و تقویت بدن انسان است تشویق می‌کند تا بتواند خدمات بهتری را برای نیل به بلوغ فردی ارائه دهد. (John Paul II, 1984)

ژان پل دوم ورزش را «شکلی از ژیمناستیک بدن و روح» توصیف کرده است. (John Paul II, 1979) از این منظر،

فعالیت‌های ورزشی، نه تنها توانایی‌های جسمانی ارزشمند انسان را برجسته می‌سازد، بلکه توانایی ذهنی و معنوی وی را نیز برجسته می‌سازد. توانایی انسان فقط قدرت بدنی و کارایی عضلانی نیست، بلکه انسان روح هم دارد و باید ظرفیت کامل خود را نشان دهد. (John Paul II, 2000)

۲.۲.۳ فعالیت بدنی و تحقیر جسم همچون شیء

از منظر مسیحیت شرکت در فعالیت‌های ورزشی در عین حالی که می‌تواند راهی مثبت برای تجربه جسمانیت فرد باشد، همچنین می‌تواند زمینه‌ای باشد که در آن بدن انسان به وضعیت یک شیء کاهش می‌یابد یا صرفاً از نظر مادی تجربه می‌شود؛ همانطور که یکی از بازیکنان فوتبال آمریکایی پس از پایان دوران حرفه‌ای خود اظهار داشته است:

به طرز متناقضی متوجه شدم که چقدر از بدنم جدا و منفک شده‌ام. بدنم را کاملاً بیشتر از آنچه که اکثر مردان می‌توانستند می‌شناختم، اما از آن بهره برده و به بدن خویش به مثابه یک ماشین فکر می‌کردم که همچون ماشین باید به خوبی روغن‌کاری شود، خوب تغذیه شود و به خوبی از آن مراقبت شود. (Erikson, 1980: 45)

وقتی در جوانان چنین تصویری از بدن خود شکل بگیرد، در معرض خطر بیگانگی از خود قرار می‌گیرند که ظرفیت آن‌ها برای نوع دوستی به خطر می‌اندازد که معیار رشدی مهمی برای

جوانان است. (Erikson, 1980:47) لذا این امر بر توانایی آنها برای برقراری رابطه صمیمانه فیزیکی و عاطفی تأثیر منفی می‌گذارد که یکی از موهبت‌های زندگی زناشویی است.

آنچه امروزه در حال وقوع است خودکارسازی ورزشکاران توسط والدین و مربیان است تا موفقیت ایشان را تضمین کنند و کسب مدال، ثبت رکورد، اخذ بورسیه، انعقاد قراردادهای تبلیغاتی پرسود را محقق سازند. انحرافات از این نوع را می‌توان در ورزش‌های بسیار رقابتی میان کودکان مشاهده کرد. سپردن جوانان به دست والدین، مربیان و مدیرانی که فقط به تخصص یک جانبه استعدادها علاقه‌مند هستند، رایج شده است. از آنجایی که بدن یک فرد جوان قادر به تحمل تمرینات در طول سال در یک ورزش خاص نیست، با این حال چنین کسب مهارتی اغلب منجر به آسیب‌های ناشی از تحمیل بیش از حد فشار بر جسم می‌شود. برای نمونه فرم بدنی ایده‌آل در ژیمناستیک زنان، نیازمند ممارست در طول سال‌ها برای رسیدن به اندامی لاغر است و این ممارست در برخی زمینه‌ها متضمن آموزش دختران بسیار جوان در هر روز هفته برای ساعات طولانی شده است. دخترانی که در این موقعیت‌ها قرار می‌گیرند اغلب نگران از دست دادن تناسب اندام و لاغری خود هستند که منجر به اختلالات مربوط به تغذیه در درصدهای بسیار بالایی از جمعیت عمومی دختران و زنان می‌شود. از منظر مسیحی، این مثال به اهمیت نقش والدین ورزشکاران جوان در تمامی رشته‌های ورزشی اشاره دارد. والدین وظیفه دارند به کودکان یاد دهند که به خاطر آنچه هستند، نه به خاطر موفقیت‌ها، ظاهر یا توانایی‌های فیزیکی‌شان دوستشان دارند. ورزش‌هایی که به ناچار آسیب جدی به بدن انسان وارد می‌کنند از نظر اخلاق مسیحی قابل توجیه نیستند.

۳.۳ برابری در فعالیت بدنی از منظر مسیحیت

در الهیات مسیحی هر انسانی به صورت خدا آفریده شده است و حق دارد زندگی خود را با عزت پیش ببرد و با او محترمانه رفتار شود. همگان حق دارند ابعاد چندگانه فرهنگ و زندگی را تجربه کنند و در آن شخصیت خود را شکل دهند. هرکسی حق یکسانی برای ارتقای توانایی‌های فردی خود و همچنین احترام به محدودیت‌های فردی خود دارد. اما این تساوی حقوق برای هر فرد به معنای یکنواختی یا تشابه نیست زیرا به معنای احترام به کثرت و تنوع زندگی انسان از نظر جنسیت، سن، پیشینه فرهنگی یا سنت نیز هست. این به امر به همان اندازه در ارتباط با ورزش صدق می‌کند. قابل درک است که در رده‌های مختلف ورزشی تفاوت‌های سنی خاصی وجود دارد یا اینکه در اکثر رشته‌های ورزشی مردان و زنان با یکدیگر رقابت

نمی‌کنند. افرادی که توانایی‌های فیزیکی پایه آنها به طور قابل توجهی از میانگین توانایی مورد انتظار مثلاً به دلیل نقص جسمانی منحرف می‌شود، ممکن است متفاوت قضاوت و ارزیابی شوند. با توجه به تعدد شرایط، استعدادها و توانایی‌ها، دسته‌بندی‌های مختلف عملکرد انسان نباید به رتبه‌های پنهان یا سلسله‌مراتب طبقه‌بندی‌ها یا حتی به مرزبندی دقیق بین گروه‌های مختلف انسانی منجر شود. این امر احساس وحدت اولیه خانواده انسانی را از بین می‌برد. آنچه پولس رسول از جامعه مسیحی به عنوان بازتابی از بدن عیسی مسیح می‌خواست، باید در ورزش تجربه کرد: «چشم نمی‌تواند به دست بگوید: «به تو نیازی ندارم» یا سر به پاها بگوید: من به تو نیازی ندارم». برعکس، آن قسمت‌هایی از بدن که ضعیف‌تر به نظر می‌رسند، در واقع ضروری هستند؛ اگر یک عضو آسیب ببیند، هر عضو دیگر همراه با آن رنج می‌برد. اگر عضوی تمجید شود، هر جزء دیگر با آن شادی می‌کند. اکنون شما بدن مسیح و اعضای آن هستید». (نامه اول به قرنتیان، باب ۱۲، ۲۱-۲۷)

از منظر مسیحیت ورزش فعالیتتی است که می‌تواند و باید برابری انسان‌ها، چه زن و چه مرد را ارتقاء دهد. «کلیسا وقتی ورزش را ابزاری برای تربیت می‌داند که ایده‌آل‌های والای انسانی و معنوی را پرورش دهد و جوانان را به شیوه‌ای یکپارچه سوق دهد تا در ارزش‌هایی مانند وفاداری، استقامت، دوستی، همبستگی و صلح در ایشان ریشه کند.» (John Paul II, 2002) ورزش حوزه‌ای از جامعه انسانی است که تعامل همه بشریت را ترویج می‌کند و می‌تواند بر موانع اجتماعی، اقتصادی، نژادی، فرهنگی و مذهبی میان انسان‌ها غلبه کند. همه مردم به دلیل منزلتی که در صورت و تشبه خدا آفریده شده‌اند، برابرند. همه انسان‌ها خواهر و برادر هستند که از یک خالق به وجود آمده‌اند. اما جهان ما هنوز با نابرابری‌های عمیقاً ریشه‌دار مواجه است و وظیفه مسیحیان است که به این واقعیت رسیدگی کنند. ورزش فضایی است که مسیحیان می‌توانند در آن به دنبال ترویج برابری باشند، زیرا «بدون فرصت‌های برابر، اشکال مختلف تهاجم و درگیری، زمینی حاصلخیز برای رشد پیدا می‌کند و در نهایت انفجار حاصل می‌شود.» (Pope Francis, 2013: 25) نمونه‌های بسیاری وجود دارد که می‌توان نشان داد چگونه ورزش باعث ایجاد وحدت در جامعه و برابری بین مردم می‌شود. بسیاری از ورزش‌های پرطرفدار علیه نژادپرستی مبارزه کرده‌اند و صلح، همبستگی را ترویج کرده‌اند. «ورزش می‌تواند ما را با روحیه همبستگی میان مردم و فرهنگ‌ها گرد هم بیاورد. ورزش به راستی نشانه‌ای از امکان صلح است.» (Benedict XVI, 2007) آمار بازی‌های المپیک و ورزشکاران زن مسیحی

جایگاه فعالیت بدنی زنان در جوامع ... (مینا کوهی و دیگران) ۱۴۷

شرکت‌کننده در آن که هر دوره رو به فزونی دارد، نشانگر رویکرد حقیقی مسیحیت معاصر به برابری جنسیتی زنان و مردان در عرصه ورزش است (Francis, 2014b).

۴. فعالیت بدنی زنان در جوامع یهودی معاصر

الهیات یهود و نیز تفاسیر تورات و تلمود در ارتباط با سلامت جسم و فعالیت بدنی در راستای نیل به تعالی روح انسان، شامل احکام خاصی است که بر سلامت افرادی که پیرو این مذهب هستند تأثیر می‌گذارد. در ادامه به اهمیت فعالیت بدنی و سلامت جسم در عقاید یهود پرداخته‌ایم.

۱.۴. یهود، قوای جسمانی و نیل به تعالی روحانی

در مذهب یهود بدن مورد حمایت و حفاظت است. در کتاب تثنیه آمده است: «از جسم خود محافظت کن و روح خود را با احتیاط نگاه‌داری کن» (تثنیه، ۴: ۹). مفسران کتاب مقدس این آیه را به عنوان یک امر دینی برای مراقبت از جسم و روح تفسیر کرده‌اند. فیلون اسکندری فیلسوف یهودی گفته است بدن خانه روح است؛ پس ما باید مواظب خانه خود باشیم که خراب نشود. بنابر مذهب یهود، بدن سالم به انسان قدرت می‌دهد که فرامین و اعمال مقدس دین خود را انجام دهد. بدن سالم به انسان کمک می‌کند تا در زندگی روزمره خود پیشرفت حاصل کند و با مراقبت از بدن خود، قدردانی عمیق خویش را نسبت به موهبت الهی و اعمال معجزه‌آسای جسم مادی نشان دهد: «خدا را می‌ستایم، زیرا من به طرز شگفت‌انگیزی خلق شده‌ام. کار خداوند حیرت‌انگیز است. به خوبی از این امر آگاهم.» (مزامیر، ۱۳۹: ۱۴) در مذهب یهود برای نیل به تعالی روح و توانایی برای به جای آوردن نیایش و اعمال مذهبی احکامی در ارتباط با تغذیه، فعالیت بدنی، اجتناب از آسیب جسمانی و استفاده از چیزهایی که برای سلامتی بدن مفید است، وجود دارد. کتب مقدس یهود بر جهت‌گیری به سوی جهان کنونی (در مقابل زندگی پس از مرگ) تأکید می‌کنند و بخش‌های متعددی از این کتب به طور خاص بر اجتناب از آنچه از نظر فیزیکی برای جسم انسان مضر است تأکید کرده‌اند (Feldman, 1986). این آموزه‌ها برای یهودیان دارای اهمیت هستند، زیرا اعتقاد دارند که عمل به تک تک دستورات تورات منجر به دستورالعمل‌های دقیقی می‌شود که تقریباً تمام فعالیت‌های روزانه فرد را پوشش می‌دهد (Kaplan, 2005). در ادامه به بررسی این موارد پرداخته‌ایم.

۱.۱.۴ رژیم غذایی و تغذیه

در تلمود آمده است که: «زندگی در شهری که باغ سبزی ندارد ممنوع است.» (تلمود، ۴:۱۲) معنای این اندرز این است که یهودی باید سالم و سلامت زندگی کند. غذا در زندگی یهودیان بسیار حائز اهمیت است و انتخاب‌های غذایی سالم‌تر در واقع طریقی است انسان یهودی اعمال دینی خود را به جای آورد انجام و از بدن خویش مراقبت کند.

۲.۱.۴ ورزش و فعالیت بدنی

در تورات آمده است:

تا زمانی که انسان ورزش کند و تلاش کند... بیماری به او نمی‌رسد و قدرتش زیاد می‌شود... اما کسی که بیکار است و ورزش نمی‌کند... حتی اگر غذاهای سالم بخورد و عادات سالم خود را حفظ کند، همه روزهایش بیماری خواهد بود و قدرتش کاهش خواهد یافت. (تورات، «دئوت» ۴: ۱۴-۱۵).

۳.۱.۴ اجتناب از آسیب جسمانی

علمای یهود یهودیت را از بسیاری جهات راهی برای اعتدال می‌دانند. ایشان یهودیان را تشویق می‌کنند که از جسم و لذت‌های جسمانی لذت ببرند و در عین حال از افراط در غذا، نوشیدنی و سایر لذت‌های جسمانی خودداری ورزند. به اعتقاد ایشان استعمال دخانیات، الکل و مواد مخدر و سایر اشکال اعتیاد سلامت و رفاه را از بین می‌برد و باعث درد و رنج عزیزان می‌شود. در مذهب یهود خواب به اندازه تغذیه خوب و ورزش کلید سلامتی است: «شب برای هدف دیگری جز خواب آفریده نشده است.» (تلمود، باب ۶۵) یهودیت بدن انسان را هدیه‌ای گرانبها و شگفت‌انگیز از جانب خداوند می‌داند که باید از آن محافظت کرد. جسم خانه روح است؛ جسم و روح، که بسیار به هم مرتبط هستند، بدون توجه به سن انسان نیاز به مراقبت و توجه دارند. با خواب مناسب، رژیم غذایی و تغذیه، ورزش و فعالیت بدنی و با دوری از اموری که به بدن آسیب می‌رساند، به فرد کمک می‌کند تا در زندگی روزمره خود چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی پیشرفت کند.

۲.۴ برابری دو جنس در یهودیت

درک یهودیت از نقش زن، نقشی است که حول خانه و زناشویی متمرکز است و می‌توان آن را در سه فرمان ایجابی خلاصه کرد که امروزه در یهودیت ارتدکس به مثابه تعهدات جنسیتی خاص زنان باقی مانده است: روشن کردن شمع‌های سبت، جداکردن و سوزاندن قسمتی از خمیر هنگام پخت نان سبت (حله)، و رعایت قوانین قاعدگی یا پاکی خانواده است که تماس فیزیکی بین زن و شوهر را تنظیم می‌کند (نדה). همچنین زنان موظف به رعایت قوانین سبت، احکام غذایی و سایر ممنوعیت‌های مذهب یهود هستند. متون مقدس یهودی شامل احکام زن‌ستیزانه‌ای است که رذیلت‌هایی را برای زنان مفروض می‌داند و ایشان را به مثابه منابع وسوسه جنسی^۱ و منبع ناپاکی به خاطر قاعدگی می‌داند؛ ایشان را زیردست، نابالغ یا معیوب طبقه‌بندی می‌کند و تولد پسر را بر دختر ترجیح می‌دهد (Wegner, 1994). در یهودیت، شهادت زنان به طور کلی در دادگاه شرعی غیرقابل قبول است و از جمله با شهادت افراد صغیر، بردگان و ناشنوایان و نابینایان طبقه‌بندی می‌شود. می‌شنا، از جمله کتب مقدس یهود در سنت تورات شفاهی، در اواخر قرن دوم وضعیت یکسانی را برای زنان در طول زندگی قائل نیست و بین دختران و همسران وابسته و زنان نسبتاً خودمختار تمایز قائل می‌شود. یهودیت زنان را تابع مردان می‌داند (Wegner, 1994). یهودیت به طور گسترده به مقاومت در برابر هرگونه برداشتی از برابری جنسیتی ادامه می‌دهد به جز آنچه در جمله توجیهی «برابر اما متفاوت» خلاصه می‌شود. نقش سنتی زنان که عمدتاً از مشارکت فعال در مراسمات عمومی کنار گذاشته شده است، نقشی حمایت‌کننده و توانمند البته درون خانه است (تلمود، باب ۱۷). زن و مرد مکمل یکدیگر تلقی می‌شوند. زنان مسئول پرورش حس یهودیت در کودکان خردسال و القای فضای یهودی و آرامش در خانه هستند. همچنین فرصت‌های آموزشی دینی برای دختران و زنان به وضوح با مردان برابر نیست. با این حال، میزان نابرابری جنسیتی بر اساس طبقه زنان، موقعیت اقتصادی، موقعیت جغرافیایی و دوره تاریخی ایشان متفاوت است.

۳.۴ برابری دو جنس در ورزش

نابرابری جنسیتی که در مذهب یهود پشتوانه عظیمی دارد، در بازی‌های مکابیا (Maccabiah Games) یا به اصطلاح بازی‌های المپیک یهود قابل ردیابی است؛ کافی است تا آمار شرکت‌کنندگان زن و مرد در این بازی‌ها را با بازی‌های المپیک مقایسه کرد. جایگاه زنان در ورزش نشان‌دهنده جایگاه آنها در جامعه به طور کلی است. اگرچه زنان بیشتری در حال حاضر

در ورزش‌های رقابتی شرکت می‌کنند، اما همچنان فرهنگ مردانه مبارزه، قدرت‌نمایی و تمایل به شکست‌دادن دشمن را منعکس می‌کند. حرفه زنان ورزشکار نسبت به مردان کوتاه‌مدت‌تر و از نظر پاداش حرفه‌ای ناچیزتر است. از دهه ۱۹۸۰، حضور زنان رژیم اشغالگر اسرائیل در بازی‌های المپیک و بازی‌های مکابیا افزایش یافته است، اگرچه ورزشکاران اسرائیلی هنوز در آن رویدادها کمتر حضور دارند. در بازی‌های المپیک حضور زنان بیشتر از مردان است و در بازی‌های مکابیا حضور مردان بیشتر از زنان است. داده‌ها نشان می‌دهد که نسبت مردان به زنان شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک ۴.۵ به ۱ و در بازی‌های مکابیا ۳ به یک بوده است (Kaufman and Hariff, 2002). از زمان تأسیس رژیم اشغالگر، نابرابری قابل توجهی در فرصت‌های زنان در رشته دو و میدانی وجود داشته است. قبلاً در آغاز دهه ۱۹۶۰، با توجه به تبعیض علیه زنان در ورزش، سازمانی ورزشی به نام هاپوئل (Hapoel)، بخش ویژه‌ای را برای ترویج ورزش زنان تأسیس کرد. این بخش به طور کلی در خدمت ورزش رژیم اشغالگر بود و پس از چند سال بدون اینکه اثر قابل توجهی داشته باشد، فعالیت خود را متوقف کرد. زنان تنها بیست و پنج درصد از جمعیت عمومی ورزشکاران فعال در ورزش‌های رقابتی این رژیم را تشکیل می‌دهند (Kaufman and Hariff, 2002). برای بیش از چهار دهه، زنان ورزشکار علی‌رغم موفقیت‌هایشان در ورزش‌های بین‌المللی، از بازی‌های آسیایی گرفته تا المپیک، با تبعیض‌های مختلف و نظام‌مندی روبرو بوده‌اند.

حضور زنان در سازمان‌های ورزشی رژیم اشغالگر بسیار کم بوده است و تا به امروز نیز به همین شکل باقی مانده است. نمونه بارز این وضعیت را می‌توان در سازمان معلمان تربیت بدنی که اکثریت اعضای آن را زنان تشکیل می‌دهند، یافت. از زمان تأسیس این سازمان در سال ۱۹۲۷، تنها یک زن آن را رهبری کرده است (ایتا سیمری، که از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۴ این کار را انجام داد)، در حالی که در انجمن‌های مرکزی سازمان، زنان همیشه در اقلیت بوده‌اند. در هیئت مدیره کمیته المپیک که سی و یک عضو دارد، تنها دو زن حضور دارند. دو زن دیگر، نیز به عنوان «مهمان دائمی» حضور دارند (Simri and Paz, 1988).

۵. نتیجه‌گیری

در این جستار تلاش شد تا به موضوع مشارکت زنان در فعالیت بدنی و ورزش در جوامع یهودی و مسیحی معاصر و دیدگاه دو مذهب ابراهیمی مسیحیت و یهودیت در این رابطه پرداخته شود. علی‌رغم دیدگاه بعضاً مشترک هر دو مذهب نسبت به جسم انسانی، نسبت به

جایگاه فعالیت بدنی زنان در جوامع ... (مینا کوهی و دیگران) ۱۵۱

برابری زن و مرد به ویژه در فعالیت‌های روزمره و ورزشی اشتراک نظر ندارند. از منظر مسیحیت ورزش زمینه‌ای است که در آن بسیاری از جوانان و سایر اقشار از همه فرهنگ‌ها و سنت‌های مذهبی یاد می‌گیرند که چگونه توانایی خود را به بهترین نحو به نمایش بگذارند. این نوع تجربیات می‌توانند به عنوان ابزاری برای تعالی روح انسان عمل کنند. در مسیحیت معاصر به طور روز افزونی فعالیت بدنی زنان و مشارکت ایشان در فعالیت‌های ورزشی در جوامع مسیحی بیشتر می‌شود. در مقابل در جوامع یهودی که بیشتر حول هویت و قومیت یهود می‌چرخد، سنت، سازمان و دستگاه مذهب یهود همچنان در برابر مفهوم برابری جنسیتی در جامعه به ویژه در ورزش مقاومت سرسختانه‌ای از خود نشان می‌دهد. تأکید بر نقش زنان در خانه به مثابه مأمّن آرامش یهودی و وظایف زن یهودی در خانه به مثابه پاسدار یهودیت از جمله مواردی است که نشان از راه طولانی و طاقت‌فرسای زنان یهودی در مسیر برابری جنسیتی و فعالیت‌های بدنی به ویژه ورزش در جوامع یهودی دارد.

پی‌نوشت

۱. بسیاری از یهودیان ارتدکس معتقدند که زنان و مردان نباید باهم شنا کنند. قوانین منع استحمام مختلط از قوانین صنیوت گرفته شده است. دلیل این امر نگرانی از این است که مایوها ذاتاً عریان هستند و الزامات صنیوت را برآورده نمی‌کنند. به طور خاص، زنی که با لباس شنا به استخر می‌آید در ظاهر به نظر می‌رسد که الزامات صنیوت را برآورده نمی‌کند و مردی که به استخر می‌آید که در آن زنان با لباس شنا لباس می‌پوشند، به ناچار زنان با این لباس را مشاهده می‌کند. در واقع، بسیاری از استخرهای موجود در جوامع یهودی ساعات جداگانه‌ای را برای شنا مرد و زن در نظر گرفته‌اند تا کسانی که از این قانون پیروی می‌کنند را در خود جای دهند.

کتاب‌نامه

عهد عتیق. (۱۳۹۹). ترجمه پیروز سیار، ج ۱ و ۲، چاپ نخست، تهران: نشر نی.

Collins, T. (2006) Jews, Antisemitism and sports in Britain, 1900–1939. In: Brenner, M, Reuveni, G (eds.) *Emancipation through Muscles: Jews and Sports in Europe*. Lincoln, NE: University of Nebraska Press, 142–155.

Dee, D (2013) *Sport and British Jewry: Integration, Ethnicity and Anti-Semitism, 1890–1970*. Manchester: Manchester University Press.

Erikson, E. (1980). *Identity and the Life Cycle*, New York: W.W. Norton & Company.

- Feldman, D. M. (1986). *Health and medicine in the Jewish tradition l'hayim-to life*. New York: Crossroad.
- Kaplan, D. E. (2005). Introduction, In *The Cambridge Companion to American Judaism*, edited by Dana Evan Kaplan, Cambridge, MA: Cambridge University Press.
- Kugelmass, J (ed.) (2007). *Jews, Sports, and the Rites of Citizenship*. Champaign, IL: University of Illinois Press.
- Levine, P. (1992). *Ellis Island to Ebbets Field: Sport and the American Jewish Experience*. New York: Oxford University Press.
- Mendelsohn, E. (ed.) (2008). *Jews and the Sporting Life: Studies in Contemporary Jewry*, vol. XXIII. Oxford: Oxford University Press.
- Presner, T. (2007). *Muscular Judaism: The Jewish Body and the Politics of Regeneration* (Jewish Studies Series). London: Routledge.
- Riess, A. (ed.) (1998). *Sports and the American Jew*. Syracuse, NY: Syracuse University Press.
- Simri, U. and Paz, I. (1988). *Forty Years of Sports in Israel*. Tel Aviv.
- Reznik, S. (2002). 'The Sport Organization "Beitar": Sport and Politics in a Segmented Society', in H. Kaufman and H. Harif (eds.), *Physical Culture and Sport in Israel in the Twentieth Century*, Jerusalem.
- Wegner, J. R. (1988). *Chattel or Person? The Status of Women in the Mishnah*. New York.
- Batty, G. D. and Lee, I. (2002). Physical activity for preventing strokes: Better-designed studies suggest that it is effective. *British Medical Journal* 325: 350-51.
- Di-Capua, Y. (2005). Women, gender, sports and the female body: Arab states. In *Encyclopedia of Women in Islamic Cultures 3*. Leiden: Brill.
- Eisen, G. (1998). Jewish history and the ideology of modern sport: Approaches and interpretations. *Journal of Sport History* 25(3).
- Frances, M. and Thompson Tetreault, M. K. (1997). Learning in the dark: How assumptions of whiteness shape classroom knowledge. *Harvard Educational Review* 67.
- Fatih, K. and Demirci, A. (2010). An assessment of outdoor recreational behaviors and preferences of the residents in Istanbul. *Scientific Research and Essays* 5.
- Galily, Y. (2009). The Contribution of the Maccabiah Games to the Development of Sport in the State of Israel. *Sport in Society* 12(8).
- Harkness, G. (2012). Out of bounds: Cultural Barriers to Female Sports Participation in Qatar. *The International Journal of the History of Sport* 29.
- Kelly, K.; Macdonald, D. and Abbott, R. (2012). Challenging stereotypes: Muslim girls talk about physical activity, physical education and sport. *Asia-Pacific Journal of Health, Sport and Physical Education* 3.
- Klein, A. (2000). Anti-semitism versus anti-somatism: Seeking the elusive sporting Jew. *Sociology of Sport Journal* 17(3).
- Klein, J. (2007). Women's Soccer, Egyptian Men, and What is 'Forbidden'. The New York Times Soccer Blog. Available online: <http://goal.blogs.nytimes.com/2007/09/20/womens-soccer-egyptian-menand-what-is-forbidden> (accessed on 8 may 2022).

جایگاه فعالیت بدنی زنان در جوامع ... (مینا کوهی و دیگران) ۱۵۳

- Kaufman, H. Galily, Y. (2009). Sport, Zionist ideology and the State of Israel. *Sport in Society* 12(8).
- Kaufman, H. (2007). Maccabi versus Hapoel: The political divide that developed in sports in Eretz Israel, *Israel Affairs* 13(3).
- Messner, M. A. (1988). Sports and male domination: The female athlete as contested ideological terrain. *Sociology of Sport Journal* 5.
- Mirsafian, H. Dóczy, T. and Mohamadinejad, A. (2014). Attitude of Iranian female university students to sport and exercise. *Iranian Studies* 47.
- Nanayakkara, S. (2012). Crossing boundaries and changing identities: Empowering South Asian women through sport and physical activities. *The International Journal of the History of Sport* 29.
- Pfister, G. (2010). Outsiders: Muslim women and Olympic games—barriers and opportunities. *The International Journal of the History of Sport* 27.
- Rizwan, L. Zhang, J. Yu, T. Qi, H. and Ashraf, M. A. (2019). Constraints to women's participation in sports: A study of participation of Pakistani female students in physical activities. *International Journal of Sport Policy and Politics* 11.
- Samdahl, D. M., and Jekubovich, N. J. (1997). A critique of leisure constraints: Comparative analyses and understandings. *Journal of Leisure Research* 29.
- Yu, C., Yin-Hua L. and Barnd. S. (2004). Cultural and social factors affecting women's physical activity participation in Taiwan. *Sport, Education and Society* 9.
- Benedict XVI. (2007). Address to the members of the Austrian Alpine Ski team, 6 October.
- Francis. (2015). Address to the Italian Tennis Federation, 8 May.
- Francis. (2014). Address to members of the sports associations for the 70th Anniversary of the foundation of the CSI (Italian Sports Center), 7 June.
- Francis. (2013). Address to a delegation of the National soccer teams of Argentina and Italy, 13 August.
- Francis. (2014). Address to the Fiorentina and Napoli soccer teams and to a delegation of the Italian Soccer Federation and of the Serie A League, 2 May (B).
- John Paul II. (2000). Homily on the occasion of the Jubilee of Sports People, 29 October.
- John Paul II. (1989). Address to the participants in the National Convention of the Italian Episcopal Conference, 25 November.
- John Paul II. (1991). Address to a delegation of "Juventus" soccer team, 23 March.
- John Paul II. (1979). Address to the Italian and Argentine National Soccer Teams, 25 May.
- John Paul II. (1984). Address to the Mexican national soccer team, 3 February.